



تحلیل بیانات رهبری درباره آینده نظام

ترسیم آینده‌ای روشن با احصاء شاخص‌های امید آفرین

■ محمد خدا پرست

فراز و فرودهای نظام جمهوری اسلامی طی چهار دهه اخیر بر کسی پوشیده نیست. گاهی اوقات مسیر نظام در شیب حفیضی قرار گرفته و گاه به سمت اوج حرکت می‌کند. در این میانه ممکن است بیم‌ها باعث کمرنگ شدن امیدها گردند و اینکه از میان عوام و خواص کم‌نداشتیم کسانی برخی را نسبت به آینده نظام بدبین سازند. کما

اینکه از میان عوام و خواص کم‌نداشتیم کسانی را که به مسیر حرکت نظام مشکوک بودند و مسیر خود را جدا نموده یا از قطار انقلاب پیاده شدند. با این همه، رهبر انقلاب به مثابه نخل‌ادی دریایی مواج گویی حقیقی فراتر از روزمرگی‌های جاری می‌بیند و امیدوارانه کشتی انقلاب را به پیش می‌برد.

ایشان با تلقای حس سرشار از امید جوانان را به حرکت فرامی‌خواند: «عزیزان من! لحاظ روحی و فکری، خودتان را برای یک حرکت خوش‌عاقبت و خوش‌فرجام آماده کنید».

ایشان در جای دیگر از آینده‌ای روشن برای جوانان می‌گویند؛ با چنان قطعی که گویی یک خبر است و نه تحلیل: «جوانان ایران در آینده‌ای نه چندان دور قطعاً دنیایی عالی را که محصول تلاش امروز آنان است تجربه خواهند کرد».

برای بسیاری این شبهه پدید می‌آید که این همه احساس امیدوارانه نسبت به آینده از کجا نشئت می‌گیرد و آیا با واقعیت‌های اجتماع انطباق دارد؟ آیا ترسیم وضعیت رهبری برای آینده کشور نوعی نگارش خوش‌بینانه

است یا گزارش وضعیتی آینده‌نگرانه مبتنی بر بررسی همه جوانب؟ در این یادداشت با تحلیل بیانات رهبری

کوشیده شده به سؤال فوق پاسخ داده شود.

■ یقین به وعده الهی

نخستین حقیقی که ایشان بر مبنای آن حتی در سخت‌ترین شرایط به تزلزل امید در جامعه می‌گیرد، با وعده غیرقابل تخلف الهی برای حمایت از مستضعفان و پیروزی نهایی مسیر حق است. رهبر معظم انقلاب علت خوش‌بینی خود به آینده انقلاب را وعده نصرت الهی برمی‌شمارد: «اگر ما ملت ایران به وعده‌ای که خدای متعال داده است خوش‌بین باشیم و مقدمات آن وعده را فراهم بکنیم، مشکلات برطرف خواهد شد. خدا فرموده است: اِنْ تَصْرَوْا لِلّٰه یَنْصُرْکُمْ».

مهم‌ترین علل آنها، ناامیدی و بی‌طاعتی مردم و رهبران نسبت به آینده را برمی‌شمارد و آن را قاعده حرکت اجتماع و تمشیت‌خداوند برمی‌شمرد: «هر جا ملت‌ها حرکت کنند، ایستادگی کنند، صبر و مقاومت نشان بدهند، پیروزی قطعی است؛ همه‌جا همین جور است. اشکال کار مبارزاتی که به شکست می‌انجامد، این است که با ملت‌ها طاقت ندارند و ایستادگی نمی‌کنند، یا رهبرانی که بتوانند اینها را درست اداره کنند ندارند.» لذا می‌توان اتکا به وعده قطعی الهی را بزرگ‌ترین منبع خوش‌بینی یک رهبر الهی نسبت به آینده انقلابی الهی دانست.

■ تحلیل روندها

یکی دیگر از موضوعاتی که به ارائه تحلیلی خوش‌بینانه از آینده توسط رهبری منجر می‌شود، صد واقعیات‌ها و روند آنها در جمهوری اسلامی است. ایشان این تجربیات و حقایق را آنقدر روشن و واضح می‌دانند که به‌زعم ایشان حتی در فرض فقدان وعده الهی نیز می‌توان به آنها برای امیدواری به آینده اتکا نمود: «اگر کسی دچار وسوسه و تردید مه بشود، وعده الهی هم دل او را آرام

نکند، تجربه‌ها باید دل او را آرام کند. بنده مکرّر این را

عرض می‌کنم و با همه وجود اعتقاد به این معنا دارم. اگر چنانچه هیچ وعده‌ای هم به ما داده نشده بود، با این تجربه‌هایی که ملت ایران از سی،چهل سال پیش به این طرف دارد، باید یقین می‌کرد که آینده متعلق به او است؛ باید یقین می‌کرد که پیروزی متعلق به او است.»

ایشان در بیانیه گام دوم نیز با برشمردن مصادیق حرکت رو به جلو و دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهار دهه اخیر، آن را واقعیتی انکارناپذیر و امیدوار کننده به آینده برمی‌شمرد: «محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گرانبها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، ر‌گورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، ر‌گورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد

در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخار‌آمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود – که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود – بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.»

یکی دیگر از حقایقی که می‌تواند با مقایسه روندها ما را به تحلیلی از میزان پیشرفت در اهداف و ترسیم افق

آینده رهنمون سازد، مقایسه انقلاب اسلامی با روند



از میان همه ظرفیت‌ها، جوانان در نظرگاه رهبر انقلاب به عنوان مهم‌ترین ظرفیت کشور و مایه امید و خوش‌بینی به آینده شناخته می‌شوند



خواهد خورد: «ما امروز در کشور ظرفیت‌های زیادی داریم – ظرفیت‌های ملی – که از اینها استفاده نمی‌کنیم؛ ظرفیت جغرافیایی داریم، ظرفیت فرهنگی داریم، ظرفیت نیروی انسانی داریم، ظرفیت منابع زیرزمینی داریم، ظرفیت تجارت داریم، ظرفیت رفت‌وآمدهای بین‌المللی را داریم، ا[ن]ا از خیلی‌هایش متأسفانه در دست استفاده نمی‌شود که اگر استفاده بشود، مشکلات کنونی اقتصادی کشور هم به میزان زیادی حل خواهد شد.»

ایشان ظرفیت‌های کشور شامل منابع طبیعی و منابع انسانی را جزو مزیت‌های کشور دانسته‌اند که از این حیث ایران جزو غنی‌ترین کشورهاست: «کارشناس‌های ما معتقدند که ظرفیت‌های کشور برای شکوفایی اقتصاد، ظرفیت‌های بسیار آماده و مستعد و کاملی است. ما کمبود نداریم، ظرفیت نیروی انسانی ما بسیار خوب است، ظرفیت‌های طبیعی ما بسیار خوب است، ظرفیت جغرافیایی ما بسیار خوب است که من در بیانیه گام دوم مقداری از این ظرفیت‌ها را تشریح کردم که این ظرفیت‌ها وجود دارد؛ بنابراین ظرفیت‌ها هست.»

همانطور که ایشان اشاره کردند، اساساً یکی از کارکردهای بیانیه گام دوم ایجاد امید با تشریح ظرفیت‌های کشور است که به صورت تفصیلی در

این بیانیه بدان پرداختند.

از میان همه این ظرفیت‌ها، جوانان در نظرگاه رهبر انقلاب به عنوان مهم‌ترین ظرفیت کشور و مایه‌امید و خوش‌بینی به آینده شناخته می‌شوند: «به برکت نسل جوان باایمان و پرشور، افق آینده کشور بسیار امیدوارکننده و مثبت است.»

■ علم به ماهیت مشکلات

رهبر انقلاب با احاطه به مشکلات جاری کشور و گستردگی و ماهیت آن‌ها بر ایندی را در یک گزاره ارائه داده‌اند: «مشکل غیرقابل حلی در کشور نداریم.»

بررسی دقیق مشکلات عمده پیش روی ملت ایران نشان می‌دهد که حتی سخت‌ترین این معضلات حالتی سیل و ممتنع دارند یعنی گرچه دشواری و امتناعات فراوانی را ایجاد کرده‌اند اما به سهولت و در صورت حاکمیت یک عزم ملی و حاکمیتی به سادگی می‌توان اکثر آنها را حل کرد.

مشکلات وجود دارند اما راه‌حل آنها هم در دسترس است. راه‌های آسانی که حتی در کوتاه‌مدت نیز می‌توانند وضعیت کشور را دچار



برای بسیاری این شبهه پدید می‌آید که این همه احساس امیدوارانه نسبت

به آینده از کجا نشئت می‌گیرد و آیا با واقعیت‌های اجتماع انطباق دارد؟ آیا ترسیم وضعیت رهبری برای آینده کشور نوعی نگارش خوش‌بینانه است یا گزارش وضعیتی آینده‌نگرانه مبتنی بر بررسی همه جوانب؟

سوی اهداف انکار کنند. اسحاق سیگف وابسته نظامی رژیم صهیونیستی در رژیم پهلوی در گزارشی می‌نویسد: «انقلاب اسلامی باعث رشد و ارتقای اکثریت مردم ایران شده است.»

با به عنوان نمونه یوزی رایبن مدیر سابق برنامه موشکی اسرائیل اعتراف چشمگیری نسبت به وضعیت پیشبرد و قدرت جهانی ایران دارد: «ایران با سرعت در حال پیش بردن برنامه خود است... به نظر من ایران در بخش موشکی در سطح قدرت‌های جهانی عمل می‌کند... من از لحاظ تکنیکی به احترام افرادی که این کار (موشک‌های بلند برد) را انجام دادند کلاه از سر برمی‌دارم و به آنها احترام می‌گذارم. ایرانی‌ها آنقدر برنامه و تلاش خود را ادامه دادند تا نتوانستند به موفقیت برسند.»

این حقایق حتی گاه در گزارش‌های رسمی منتشره توسط دشمنان جمهوری اسلامی نیز به چشم می‌خورد، به عنوان نمونه در گزارشی که در پنتاگون پیرامون تحلیل ضعیف ایران تهیه و منتشر شده آمده است: «ایران به‌قدری پیشرفت کرده که می‌تواند اهدافی را در سراسر منطقه و در شرق اروپا هدف قرار بدهد. ایران علاوه بر فناوری‌های موشکی و راکتی فرایندش، در تلاش است میزان کارایی سامانه‌های موجودش را تقویت کند.ایران در حال ساخت موشک بالستیک ضدکشتی به نام خلیج فارس است. وسیله پرتاب فضایی سیمرغ ایران نشان‌دهنده عزم این کشور برای توسعه فناوری‌های موشک‌های بالستیک قاره‌پیماست.»

حتی دشمن‌ترین افراد نسبت به ایران -صهیونیست‌ها- نیز نتوانسته‌اند نگرانی خود را از روند حرکت کشور به

تفاوت قائل شده‌اند. رهبری وظایفی فراتر از مدیر یک مجموعه دارد و مهم‌ترین آنها ایجاد انگیزه و امیدبخشی نسبت به آینده است.

درواقع اینکه رهبر معظم انقلاب حتی در سخت‌ترین شرایط به امیدبخشی پرداخته و آینده‌ای روشن به تصویر می‌کشد، دقیقاً اقدامی علمی و منطبق بر علوم راهبردی است. رهبر یک مجموعه با اجتماع وظیفه دارد حتی آن هنگام که افراد مجموعه در تاریکی و ناامیدی فرو رفته‌اند، کورسوهای امید را جست‌وجو کرده و اعضا را به سمت آن هدایت نموده و انگیزه‌بخشی کند.

رهبر انقلاب خودشان این نقش را چنین توضیح می‌دهند: «رهبری، یعنی آن نقطه‌ای که هر جا دولت -هر دولتی در ایران- مشکلی داشته باشد، مشکلات لاعلاجش به دست رهبری حل می‌شود. توجه کنید؛ هر جا که تبلیغات دشمن کاری کند تا مردم را به دولت‌ها بدبین سازد، اینجا نقش رهبری است که حقیقت را برای مردم، روشن، و توطئه دشمن را بر ملا می‌کند. این چند ساله ندیدید که درباره دولت‌ها، دولتمردان و مسئولان چه می‌کردند و چگونه سعی می‌نمودند که تبلیغات دروغ و ترندهای گوناگونی را رایج کنند تا مردم را مأیوس نمایند. آن جایی که می‌خواهند مردم را مأیوس کنند، رهبری است که امید به مردم می‌دهد.»

■ ناامید کردن مردم؛ اولین هدف دشمن

حتی اگر همه واقعیت‌هایی که تاکنون در بالا به عنوان مبنای واقع‌گرایانه تحلیل امیدوارانه رهبری نسبت به آینده مطرح شد را در نظر بگیریم، باید این سؤال را از خود مطرح کنیم که در قبال ناامیدی و بدبینی نسبت به آینده قرار است چه چیزی به دست آوریم؛ به جز شادی دشمنان و رسیدن آنها به هدف؟

«تخفیر دستاوردهای انقلاب چیزی نیست که به نفع ملت باشد؛ بلکه موجب ناامیدی و یأس مردم خواهد شد و این کاری است که دشمنان می‌خواهند آن را انجام دهند. ضعف‌ها را بزرگ و کمبودها را برجسته کنند؛ اما پیشرفت‌ها را مورد نظر قرار ندهند.»

تلاش دشمن در ایجاد یأس -آن هم در حالی‌که خود در اندیشکده‌ها و مراکز فکری می‌داند وضعیت آنچنان‌که القا می‌کنند ناامیدکننده نیست- نتیجه‌اش پراکنده‌سازی حس خوت و سستی در ملت و دست کشیدن از کوشش است که می‌تواند یک ملت را عقیم سازد: «گاهی اوقات دست‌های قلدر و قدرتمند، ملت‌های ضعیف را به جایی می‌رسانند که امیدشان را از دست



می‌دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی‌کنند؛ می‌گویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است؛ با چه کسی دربیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمی‌توانیم! این، روح ناامیدی است. استعمار این را می‌خواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که ملت‌های مسلمان و از-جمله ملت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شوند و بگویند: دیگر نمی‌شود کاری کرد؛ دیگر فایده‌ای ندارد! می‌خواهند این را به‌زور در مردم تزریق کنند.

ما که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهر آگین دشمنان قرار داریم، به‌عین می‌بینیم که اغلب گروه‌های که تنظیم می‌کنند، برای مأیوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مأیوس کنند، متدینین را از گسترش دین مأیوس کنند، آزادی‌طلبان را علاقه‌مندان را مسائل فرهنگی و سیاسی را از امکان کار سیاسی، یا کار فرهنگی مأیوس کنند و آینده را به‌زور در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته‌اند، تیره و تار جلوه دهند؛ برای چه؟ برای اینکه جوشش و امید را از این مجموعه انسانی که باامید کار می‌کند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند.»

دست آخر بایستی به تمامی گروه‌هایی که معتقد و دلسوز انقلاب اسلامی هستند و حتی آن‌انکه با انحراف پیدا کرده است. این مسئله‌ای است که وجود دارد؛ باید مدیرانمان آن‌شاءالله پُرانگیزه‌تر باشند، کارآمدتر باشند، تلاش بیشتری را انجام بدهند، و به حول و قوه الهی همین جور هم خواهد شد. من به‌طور قاطع عرض می‌کنم که اگر مدیریت در بخش‌های مختلف کشور، متدین باشد، انقلابی باشد و کارآمد باشد، همه مشکلات کشور حل خواهد شد؛ ما مشکل غیرقابل حلی در کشور نداریم.»

■ امید آفرینی، وظیفه رهبری

چنانچه از منظر علمی نیز به موضوع بنگریم، در علوم استراتژیک میان مفهوم رهبری با مدیریت

التیام‌آفرین باشد.